یادداشت

نگرشی بر جرم‌انگاری حمل سلاح سرد



فاطمه فلاح‌پور کپورچای
وکیل پایه یک دادگستری

■ ارتکاب قتل توسط پسری ۱۷ساله آن هم با استفاده از چاقو، بار دیگر بحث بر سر حمل سلاح سرد را پیش می‌کشد. چندی قبل بحث در زمینه جرم‌انگاری حمل چاقو و سلاح‌های سرد به لحاظ حوادث و جرایمی که اخیرا در جامعه واقع شده و به نحوی احساس امنیت در بین شهروندان را مخدوش کرده است، در مراجع نظارتی (قضایی و پلیسی) و حتی در قوه قانون‌گذاری و افراد عادی جامعه داغ بود و هر روز مقامات پلیس در دیدار با نمایندگان مجلس و قوه قضاییه بر جرم تلقی کردن حمل و نگهداری سلاح‌های سرد به ویژه چاقو تاکید داشتند و دارند. دغدغه خاطر پلیس به عنوان یک مقام و اهرم امنیتی جای خودش را دارد و می‌توان در این زمینه به پلیس حق داد چون واقعیت جامعه، صحت آمار پلیس را نشان می‌دهد. ولی قانون‌گذاری یک مساله احساسی یا مقطعی نیست بلکه کار کارشناسی دقیق را می‌طلبد و باید داده‌های جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تابعه با بستر لازم قانون‌گذاری را فراهم کند. از استفاده‌های ظاهری و عادی چاقو که بگذریم یکی از مبانی حمل و نگهداری چاقو، دفاع شخصی افراد در مقابل حوادث احتمالی است. حفظ و دفاع از جان و مال در مقابل تهاجم خارجی بر اساس اصول شرعی و قانونی نه‌تنها یک حق برای شهروندان بلکه یک تکلیف شرعی است. مطالعه تطبیقی قوانین کشورهای دیگر این موضوع را نشان می‌دهد که قوه قانون‌گذاری هر کشوری حق حفظ جان و دفاع درمقابل حوادث را به شهروندان خود داده و ابزارهای لازم را با تدوین قوانین عادی در اختیار شهروندان قرار داده و در واقع حق دفاع و حفظ جان را برای شهروندان به رسمیت شناخته است. نمونه بارز این مساله، قانون حقوق بشر ایالات متحده است که صراحتا تصریح کرده است: «هر آمریکایی حق دارد سلاح همراه داشته باشد و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق را از آمریکایی‌ها ساقط کند.» از مبانی کلی مساله که بگذریم، معضل عمده نظام قانون‌گذاری، تورم قوانین کیفری است. تورم قوانین کیفری ارتباط مستقیم با افزایش جرم و جنایت دارد چون بسیاری از اعمال را که می‌توان با فرهنگ‌سازی به راه صحیح هدایت کرد با جرم‌انگاری آن، محدوده خط قرمز گسترده‌تر می‌شود و این به معنی افزایش آمار جرم در جامعه است.بحث جرم‌انگاری چاقو در یک برهه زمانی، وقتی در اثر علل مختلف دیگر جرم افزایش می‌یابد، از سوی پلیس مطرح می‌شود اما قانون‌گذار نمی‌تواند همان دید پلیس را به مسایل داشته باشد و باید مطالعات لازم را در این چارچوب انجام دهد و سود و زیان جرم‌انگاری حمل چاقو را ارزیابی و بر اساس نتیجه مطالعات، سیاست جنایی لازم را اتخاذ کند چون مبارزه با چنین اعمالی (حمل چاقو) یک تدبیر و سیاست جنایی خاص را می‌طلبد. اولین قدم در جهت اتخاذ سیاست جنایی مطالعه علت‌های وقوع و افزایش جرایم است. آیا علت افزایش قتل با چاقو، دسترسی راحت افراد به چاقو است یا علت در بطن اجتماع و شخصیت فرد انسانی نهفته است؟ مسلما چنانچه تهدیدات علیه بهداشت روانی در جامعه کاسته شود و زمینه‌های اشتغال و تحصیلات برای جوانان فراهم شود و قدم‌های اساسی در راه تفریحات جوانان برداشته شود، مسلما فرصت ارتکاب جرم و جنایت نیز برای افراد کم خواهد شد. در این خصوص نمی‌توان فقط روی چاقو انگشت گذاشت و حمل آن را سرزنش و با جرم‌انگاری آن، صورت مساله را پاک کرد در حالی که جنایت و جرم در بطن جامعه است و زمینه‌های اصلی به وجود آمدن جنایت هنوز در جامعه باقی مانده است. باید به ریشه‌ها و علل اصلی وقوع جرم دست یافت و عوامل محرک وقوع جرم و عامل تهدیدکننده بهداشت روانی را رفع کرد و مسوول مربوطه به رفع این علل در هر زمینه فرهنگی، آموزشی و... بپردازد. با بررسی آمار متوجه می‌شویم فقط آمار جنایت‌ها منتشر می‌شود و هیچ‌گاه آماری مبنی بر اینکه علل جرم و جنایت چیست، منتشر نمی‌شود تا برای رفع این علل اقدامی صورت بگیرد. مضافا اینکه در حال حاضر، ما نیازی به قانون‌گذاری درخصوص جرم‌انگاری چاقو و سلاح سرد نداریم زیرا اولا در آیین‌نامه اجرایی تبصره دو ماده یک قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۳ سرنیزه‌های قابل نصب به تفنگ و انواع کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح یا مشابه آن ممنوع شده و مرتکب به سه تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود با وجود قید «مشابه» در کنار کاردهای مشابه سنگری متداول در نیروهای مسلح خیلی از چاقوهای خطرناک را که شباهت با چاقوی سنگری داشته باشد براساس این ماده می‌توان مورد مجازات قرار داد. ثانیا ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی که به صورت کلی تنظیم شده نیز می‌تواند در این رابطه مورد استفاده قرار بگیرد. این ماده عنوان داشته هر کس عالما و عامدا هر نوع وسیله‌ای را برای ارتکاب جرم بسازد یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک‌سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. می‌توان خیلی از مصادیق حمل و نگهداری سلاح سرد را بر اساس این ماده قابل مجازات دانست. با این اوصاف به نظر می‌رسد ممنوع کردن حمل و نگهداری هر نوع چاقویی نه‌تنها متعارف نیست بلکه با شرایط و عرف جامعه عاقلانه به نظر نمی‌رسد. مضافا اینکه با توجه به توضیحات فوق، مشکل قانونی در جهت مجازات حمل و نگهداری چاقو اگر برای ارتکاب جرم باشد وجود ندارد و به این صورت می‌توان هم از تورم قوانین کیفری جلوگیری کرد و هم محدوده خط قرمز را که با آزادی‌های افراد تعارض دارد، کاهش داد و هم حق شرعی و قانونی دفاع و تهیه ابزارهای دفاع از جان را برای شهروندان تضمین کرد.

جزییاتی از وقوع نزاع مرگبار سه نوجوان

پسر دانش‌آموز چگونه قاتل شد

شرق: پسر دانش‌آموز در نزاع بر سر موضوعی پیش‌پاافتاده و به هواداری از دوستش، دست خود را به خون آلوده کرد.

این نوجوان ۱۷ساله وقتی در دعوا کنترل خودش را از دست داد با چاقو ضربه‌ای را به گردن مقتول وارد کرد و باعث مرگ او شد. به گزارش خبرنگار ما ساعت ۲۱:۳۰ روز دوشنبه هفته گذشته پسری جوان در حالی که به شدت خونریزی داشت و لحظات آخر عمرش را سپری می‌کرد خودش را به خیابان مختارخان شهرری رساند و از رهگذران تقاضای کمک کرد. ناظران این صحنه نیز موضوع را به مرکز فوریت‌های پزشکی و پلیسی اطلاع دادند. پس از آن پسر ۱۸ ساله که پوریا نام داشت به بیمارستان شهید فیروزآبادی منتقل شد اما ضربه چاقو رگ‌های اصلی گردن او را قطع کرده بود و برای نجات جانش کاری نمی‌شد انجام داد. مرگ این جوان پرونده‌ای جنایی را در شعبه دوم دادسرای شهرری گشود و به دستور بازپرس حسینی تیمی از کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس اگاهی تهران موظف شدند درباره چرایی این قتل تحقیق و متهم یا متهمان را دستگیر کنند. تحقیقات انجام‌شده از محل حادثه و اظهارات تعدادی از کسبه محل که دقایقی قبل از کمک خواستن مقتول، شاهد صحنه درگیری بودند فاش کرد مقتول با دو جوان دیگر درگیر شده بود. کارآگاهان در ادامه اطلاع پیدا کردند پوریا زمان حادثه با یکی از دوستان خود به نام «مهرزاد» که از چندی پیش با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند، قرار ملاقات داشت. به این ترتیب با کمک حراست منطقه ۲۰ آموزش‌وپرورش، محل سکونت این دانش‌آموز ۱۷ساله شناسایی شد. هنگامی که کارآگاهان به خانه این نوجوان رفتند پدر و مادرش گفتند مهرزاد، پس از مراجعه به خانه و برداشتن مقداری لباس به سرعت از خانه خارج شده و به منزل خواهرش در باقرآباد رفته است. ماموران در ادامه با همراهی مادر و یکی از دو برادر بزرگتر مهرزاد به خانه خواهر متهم رفتند و او را ساعت ۲:۴۵ بامداد روز بعد از قتل دستگیر کردند. با دستگیری مهرزاد، وی در همان خودرو پلیس به درگیری با مقتول اعتراف کرد و یکی از دوستانش به نام «فرهاد» را که در زمان درگیری به همراه او بود به عنوان قاتل اصلی معرفی کرد. با شناسایی محل سکونت فرهاد که او نیز نوجوانی ۱۷ساله است، وی نیز همان روز دستگیر شد و به وارد کردن ضربه به گردن مقتول اقرار کرد. او گفت به هواداری از مهرزاد دست به چاقو برده اما نمی‌خواست ضربه‌ای به پوریا وارد کند. مهرزاد نیز در اعترافاتش درباره علت درگیری گفت: «پوریا به خاطر اختلافاتی که با هم داشتیم برایم پیامکی فرستاد و با هم قرار گذاشتیم. من فرهاد را هم سر قرار با خودم بردم و زمان دعوا فرهاد از چاقویش استفاده کرد.»

این دو که نمی‌دانستند پوریا جان باخته و تصور می‌کردند وی فقط مجروح و در بیمارستان بستری شده وقتی به دادسرا رفتند و فهمیدند چه اتفاقی رخ داده از این دعوا ابراز پشیمانی کردند. این پرونده که در مرحله تحقیقات مقدماتی است، پرونده معروفی را به یاد می‌آورد که تا مدت‌ها در صدر اخبار حوادث روزنامه‌ها جای داشت. بهنود شجاعی پسر دانش‌آموزی بود که در ۱۷سالگی مرتکب قتل شده بود. او روز ۲۷ مرداد سال ۸۴ در خانه نشسته بود که یکی از دوستانش تلفنی به او خبر داد با جوانی دعوا کرده است. بهنود به هواداری از دوست خود به ونک‌پارک رفت و در آنجا وقتی با پسری به نام احسان درگیر شد با چاقو ضربه‌ای به او زد. بهنود بعد از دستگیری بارها و بارها ابراز ندامت کرد و گفت به هیچ‌وجه قصد قتل نداشته و فقط می‌خواسته احسان را بترساند، اما او در نهایت به قصاص محکوم و با وجود تلاش فعالان اجتماعی برای کسب رضایت اولیای دم مقتول، روز ۱۹ مهر سال ۸۸ به دار آویخته شد.



فرهاد/متهم اصلی



پوریا / مقتول



بهنود فردی که به خاطر قتلی مشابه قصاص شد

گفت‌وگو با متهم اصلی قتل

فرهاد که اکنون به عنوان متهم ردیف اول پرونده نزاع مرگبار شناخته می‌شود در گفت‌وگویی کوتاه درباره علت شرکتش در درگیری توضیح داد.

خودت را معرفی کن.

فرهاد. ف هستم متولد ۱۳۷۳. ساکن شهرری، دانش‌آموز کلاس دوم دبیرستان.

چرا با پوریا درگیر شدی؟

ساعت ۱۴:۳۰ روز یکشنبه هفته پیش وقتی از مدرسه بیرون آمدم مهرزاد برایم پیامکی فرستاد و نوشت با پوریا دعوا کرده است. حدود ساعت پنج بعدازظهر همان روز با یکی از دوستانم به نام مهران در حال موتورسواری در حوالی میدان غیبی بودیم که مهرزاد به میدان آمد. او هم سوار موتور شد و سه نفری حدود ۲۰ دقیقه در خیابان چرخیدیم. از مهرزاد سوال کردم چرا دعوا کرده است که در پاسخ به من گفت به خاطر دعوا با یکی از برادرانش به اسم مصطفی به خانه خواهرش رفته بود که در آنجا خواهرزاده‌اش موقع بازی با موبایل او به اشتباه شماره پوریا را گرفت و پوریا فکر کرد او قصد مسخره کردن دارد برای همین برایش پیامکی فرستاد و قرار دعوا گذاشت.

وقتی ماجرا را فهمیدی همراه مهرزاد سر قرار رفتی؟

قرار آنها برای ساعت چهار بعدازظهر آن روز بود و مهرزاد نرفته بود اما پوریا برایش یک پیامک دیگر فرستاد و آنها دوباره برای روز دوشنبه قرار گذاشتند.

چرا در قرار دوم همراه مهرزاد رفتی؟ تو که مشکلی با پوریا نداشتی.

ساعت ۷:۳۰ بعدازظهر دوشنبه با مهرزاد تماس گرفتم و پرسیدم با پوریا چه کار کرده است او گفت تا پنج دقیقه دیگر جلوی خانه ما خواهد بود. پس از آمدن مهرزاد یک چاقو را از داخل وسایل کاری پدرم برداشتم و آن را در داخل جیبم گذاشتم و به همراه مهرزاد، پیاده به سمت میدان اصلی شهرری رفتیم.

آنجا مهرزاد، پوریا را که من تا آن زمان ندیده بودم نشان داد او مقابل پاساژ مهدیه ایستاده بود. مهرزاد به سمت پوریا رفت قصد داشتند با یکدیگر گلاویز شوند که من مانع آنها شدم و گفتم جلوی ایستگاه پلیس دعوا نکنند. به همین علت به پشت پاساژ، داخل یک کوچه خلوت رفتیم و آن دو درگیر شدند و من از پشت سر پوریا را هل دادم و او نیز شروع به ناسزا گفتن کرد. در همین زمان چاقو را از جیبم درآوردم و شروع به ترساندن پوریا کردم. او نیز چند متری عقب رفت اما زمانی که من و مهرزاد قصد داشتیم از کوچه خارج شویم، به سمت من آمد و با دست ضربه‌ای را به صورتم زد نمی‌دانم چطور چاقو را که هنوز در دستم بود، به سمت گردن پوریا گرفتم و یکدفعه متوجه شدم دستم خونی شده است.

چطور از محل حادثه فرار کردید؟

اول از کوچه فرار کردیم اما در حالی که ترسیده بودیم دوباره به آنجا رفتیم. جمعیت زیادی جمع شده بود مهرزاد با یکی از دوستانش به نام علی تماس گرفت و از او خواست تا هرچه سریع‌تر به محل بیاید او هم در کمتر از پنج دقیقه با موتوسیکلت آمد و به همراه مهرزاد، سوار بر موتور داخل کوچه رفتند پس از دقایقی مهرزاد و علی مجددا نزد من برگشتند و مهرزاد گفت: «نگران نباش؛ حال پوریا خوب است و اورژانس او را به بیمارستان برده است.» بعد از آن همراه علی و مهرزاد سوار موتور شدم و به در منزل مهرزاد رفتیم و او وسایل خودش را جمع کرد پس از گذاشتن من مقابل در خانه، مهرزاد گفت چند روزی را به منزل خواهرش در باقرآباد خواهد رفت. مهرزاد پس از رسیدن به خانه خواهرش مجددا با من تماس گرفت و اطمینان داد حال پوریا خوب است و من هم ساعت دو شب خوابیدم اما چند ساعت بعد ماموران را بالای سرم دیدم.

چه زمانی متوجه شدید پوریا به قتل رسیده است؟

تا زمانی که به دادگاه رفتیم هیچ‌کس به ما نگفته بود پوریا کشته شده است در راهروی دادگاه بود که پدر و مادرم را در حالی که به شدت گریه می‌کردند دیدم وقتی قاضی به من گفت پوریا بر اثر ضربه چاقوی من کشته شده، مثل دیوانه‌ها شروع به گریه کردم.

گفت‌وگو با متهم ردیف دوم

مهرزاد که به عنوان متهم ردیف دوم این پرونده شناخته می‌شود، اکنون در بازداشت است و تحقیقات از وی ادامه دارد این نوجوان در گفت‌وگویی کوتاه جزییاتی را از دعوای مرگبار شرح داده است

خودت را معرفی کن.

مهرزاد. غ، ۱۸ساله، ساکن شهرری، دانش‌آموز دوم دبیرستان

چند برادر و خواهر داری؟

دو برادر به اسامی «مصطفی» و «محمود» و یک خواهر دارم.

قبل از شروع مشاجره پیامکی با برادرت دعوا کرده و به خانه خواهرت رفته بودی، چرا؟

سه روز قبل از قتل همراه فرهاد و چند نفر از دوستانم، سر کوچه نشسته بودیم که یک دفعه برادرم مصطفی را دیدم که در حال دویدن بود وقتی که به در منزل رفتم متوجه شدم مصطفی شیشه کشیده و پنجره خانه را شکسته است و مادرم هم با ۱۱۰ تماس گرفته و زمانی که مصطفی متوجه تماس مادرم شده بود، از ترس دستگیر شدن از خانه بیرون آمده بود. مادرم که می‌ترسید بین من و مصطفی دعوایی اتفاق بیفتد به من پول داد و خواست به خانه خواهرم بروم هنوز از خانه خارج نشده بودم که مصطفی را در حال وارد شدن به خانه دیدم برای همین در مقابلش ایستادم و بین ما درگیری لفظی ایجاد شد اما مادرم دخالت کرد و همراه او، به خانه خواهرم رفتیم.

اختلاف تو و پوریا از چه زمانی و به چه دلیل شکل گرفت؟

حدود یک سال پیش با پوریا به یک کافی‌نت رفته بودیم در آنجا یکی از دوستانم به سراغم آمد و با او از «کافی‌نت» خارج شدم و پوریا را حدود یک ساعتی تنها گذاشتم. پوریا که از رفتن من و تنها ماندنش ناراحت شده بود برای من پیامکی فرستاد و از آن زمان دیگر با همدیگر ارتباط نداشتیم. چند ماه پیش تصمیم گرفتم با پوریا آشتی کنم اما پوریا پیغام داد تمایلی به دوستی با من ندارد تصمیم گرفتم دیگر اصراری برای آشتی با او نداشته باشم تا اینکه خواهرزاده‌ام به صورت کاملا اتفاقی، با شماره پوریا که هنوز در تلفن همراهم ذخیره بود تماس گرفت و آن اتفاق افتاد.

درباره آن تماس اتفاقی توضیح بده. چرا سعی نکردی سوءتفاهم را برطرف کنی؟

بچه خواهرم در حال بازی کردن با گوشی من بود که با فشار دادن شماره هفت گوشی، باعث تماس اتفاقی با شماره «پوریا» شد. به محض آنکه متوجه موضوع شدم تلفن را قطع کردم اما پوریا که تصور کرده بود من قصد مسخره کردن او را دارم برای من پیامکی فرستاد که در آن ناسزا گفته بود. من که از دعوای با برادرم بسیار عصبانی بودم، پس از خواندن پیامک پوریا تلفن همراهم را برداشتم و به او زنگ زدم و این تماس باعث شد درگیری لفظی شدیدی بین ما دو نفر به وجود بیاید. برای همین با او در میدان غیبی قرار گذاشتم ولی سر قرار نرفتم و پوریا مجددا پیامکی برای من فرستاد و در آن نوشت «آدم‌های ترسو سر قرار نمی‌آیند» و به خاطر همین برای فردای آن روز با او در میدان اصلی شهرری قرار گذاشتم.

نحوه دستگیری‌ات را توضیح بده؟

حدود ساعت ۲:۴۵ شب در خانه خواهرم خوابیده بودم که ماموران به داخل خانه آمدند و مرا دستگیر کردند و در ماشین درباره چاقو خوردن پوریا سوال کردند و من هم به آنها گفتم چاقو را یکی از دوستانم به نام فرهاد زده است. ماموران به همراه من، به در منزل فرهاد رفتند و او را هم دستگیر کردند.

فکر می‌کردی روزی به اتهام قتل دستگیر شوی؟

زمانی که به دنبال فرهاد رفته بودم، چندین بار از او سوال کردم با خودش چاقویی دارد یا نه؟ می‌خواستم در صورت داشتن چاقو، مانع از آوردن آن شوم اما فرهاد هر بار پاسخ داد «چاقویی همراه ندارم» اما زمانی که با پوریا در حال دعوا بودیم و او به سمت فرهاد برگشت و شروع به ناسزا گفتن به وی کرد، فرهاد چاقوی همراه خود را به سمت پوریا گرفت و آن اتفاق رخ داد.



مهرزاد/متهم‌ردیف دوم

انهدام شبکه بزرگ سرقت خودرو

متهمان، اتومبیل‌های مسروقه را با مدارک جعلی می‌فروختند



شرق: اعضای یک باند بزرگ سرقت خودرو که در چندین استان فعالیت داشتند در جریان تحقیقات تخصصی پلیس شناسایی و دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار ما کارآگاهان مبارزه با سرقت خودرو پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران چندی قبل باخبر شدند دو مرد سابقه‌دار اقدام به سرقت خودرو می‌کنند و اتومبیل‌های مسروقه را با اسناد و مدارکی که در واقع متعلق به ماشین‌های تصادفی است به فروش می‌رسانند. کارآگاهان ضمن بررسی و شناسایی آخرین مخفیگاه این دو متهم به اسامی «فرهاد ۳۲ساله» و «علی ۲۶ساله»، دریافتند این دو پس از آزادی از زندان در سال گذشته، مجددا با جمع‌آوری افراد سابقه‌دار در امر سرقت خودرو، جعل سند و...، گروه جدیدی را تشکیل داده‌اند که با سرقت خودرو، سایر مراحل مربوطه را در تهران و سایر استان‌های کشور انجام می‌دهند. بررسی‌های صورت‌گرفته فاش کرد فرهاد در این گروه، به عنوان سرکرده، هدایت اعضا را بر عهده دارد و شیوه کار باند به این صورت است که چند عضو باند ابتدا در استان‌های مختلف خودروهای تصادفی شدید یا سوخته‌شده را به عنوان اوراقی به همراه مدارک آن خودرو خریداری می‌کنند و سپس با سفارش به نفرات سارق گروه، در استان‌های تهران، گلستان، خراسان، سمنان و... خودرویی مشابه همان ماشین را سرقت می‌کنند و با تغییر اصالت برخی از ارکان آن، خودرو سرقتی را با مدارک اتومبیل تصادفی به خریدار که در اغلب موارد یک شهروند عادی و از سرقتی بودن خودرو بی‌اطلاع است، می‌فروشند. کارآگاهان بعد از پی‌بردن به این جزییات با اطلاع از حضور فرهاد و علی در مشهد با اخذ نیابت قضایی به این شهر اعزام شدند و پس از چند شبانه‌روز تحقیقات میدانی مخفیگاه این دو نفر را شناسایی و آنها را دستگیر و به تهران منتقل کردند. دو متهم در بازجویی‌ها ضمن اعتراف به جرمشان گفتند باند آنها تاکنون ده‌ها خودرو را به همین شیوه سرقت و با سند نمره کردن در شهرهای مختلف به فروش رسانده است. با ادامه یافتن تحقیقات بیش از ۲۰ نفر از اعضای این باند در تهران و سایر استان‌ها شناسایی و دستگیر شدند. از این افراد چهار مرد سابقه‌دار به عنوان سارق فعالیت می‌کردند و وظیفه سرقت خودروهای سفارشی را بر عهده داشتند و بقیه نیز مراحل خرید قطعات اوراقی، جعل سند، فروش خودروها و... را انجام می‌دادند. همچنین خودروهای سرقتی این گروه تاکنون به بیش از ۵۰ دستگاه رسیده که حدود ۴۰ دستگاه از خودروها در تهران، مازندران، گلستان، خراسان و سمنان شناسایی و کشف شده است. سرهنگ عباسعلی محمدیان رییس پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: از مالباختگانی که خودرو آنان در ماه‌های اخیر در تهران خصوصا در شرق پایتخت به سرقت رفته است درخواست می‌شود برای پیگیری پرونده خود به پایگاه ششم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

وی به شهروندان توصیه کرد: با توجه به اعترافات سارقان در پرونده‌های مختلف، این مجرمان در مرحله نخست خودروهایی را به سرقت می‌برند که علاوه بر شرایط آسان، فاقد تجهیزات ایمنی، تاخیری و بازدارنده سرقت باشند به همین دلیل شهروندان باید خودروهای خود را به این نوع تجهیزات مجهز کنند.

پنج قاره

کشتار در کالیفرنیا

خبرآنلاین: ۲۴ ساعت بعد از کشتار در کوپرتینوی کالیفرنیا، قاتل فراری در تبادل آتش با پلیس کشته شد. ماموریت تعقیب شریف آلمن، قاتل فراری که باعث کشته و زخمی شدن ۱۰ نفر در کوپرتینو شده بود، با سگ‌های شکاری زمانی اتمام یافت که ماموران پلیس وی را در منطقه سانیویل به دام انداختند و با شلیک، جانش را گرفتند.

شریف آلمن که مردی ۴۹ساله و راننده کامیون معدن در کارخانه سنگ معدنی بود روز چهارشنبه هفته پیش بعد از جر و بحث در جلسه عمومی کارخانه، با ترک جلسه و بازگشت مجدد سه نفر را به ضرب گلوله کشت و شش نفر دیگر را زخمی کرد.

وی هنگام گرفتن اتومبیل زنی در پارکینگ کمپانی هیولارد پاکارد وی را نیز زخمی و فرار کرد.

این مرد سیاه‌پوست که در ۱۵ سال گذشته در آن کارخانه کار می‌کرد و نمایندگی رانندگان کارخانه را برعهده داشت در این مدت هرگز مشکلی به وجود نیاورده بود به همین دلیل بحث بر سر انگیزه او از این کشتار بالا گرفته است. برخی شایعات مبنی بر اینکه وی را در کارخانه تضعیف نژادی کرده‌اند مطرح شده اما مقامات کارخانه این موضوع را رد کرده‌اند.

یکی از این مقامات گفت قاتل دو، سه هفته پیش تصادف کرده و به این دلیل بسیار ناراحت و افسرده بود.

نگاه

نقش خانواده و مدرسه در مهارت‌های رفتاری



ناصر قاسمزاد
روان‌شناس و استاد دانشگاه

■ قتلی که توسط یک پسر ۱۷ساله و به هواداری از دوستش انجام شده از دو جنبه قابل بررسی است. نخست رفتارهای پرخاشگرانه‌ای که در نوجوانان دیده می‌شود و سپس انگیزه قاتل از شرکت در نزاع که در واقع طرفداری از دوستش بوده است.

آنچه مسلم است نوجوانی دوره پرسش و گذر از هیجانات روحی است اما متاسفانه در جامعه ما آن‌طور که باید و شاید فرهنگ مواجهه پرخاشگری و کنترل خشم – به عنوان یکی از هیجانات- نهادینه نشده و نه در خانواده و نه در مکان‌های دیگر افراد نمی‌توانند خشم و پرخاشگری خود را برون‌ریزی کنند. حال آنکه باید در خانواده بسترهای لازم برای مبارزه با خشم که یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی و روابط بین فردی و اجتماعی نوجوان است، فراهم شود، اما برخی خانواده‌ها چنین جایگاهی را برای نوجوان ندارند. حتی ممکن است فرد در خانواده کتک بخورد و ناسزا بشنود و در واقع خانواده به بستری به عنوان خشونت علیه نوجوان تبدیل شود و او را به سوی رفتار پرخاشگرایانه سوق دهد. عده‌ای از افراد جامعه که در کودکی و نوجوانی قربانی رفتار پرخاشگرانه و خشن خانواده بوده‌اند در حقیقت زخم‌خورده هستند و در آینده پرخاشگری را در رفتار زناشویی نیز بروز می‌دهند. عده‌ای نیز در سنین پایین‌تر و با ارتکاب جرم در نوجوانی بازتاب خشونت‌ها را به نمایش می‌گذارند. علاوه بر این موضوع، تاثیرپذیری در سنین کم نیز بسیار حایزاهمیت است. در واقع تاثیرپذیری در نوجوانی است که معنا و مفهوم پیدا می‌کند. در این دوره افراد همبستگی بالایی با هم دارند و چه بهتر که این همبستگی در جهت مثبت و اهداف والا باشد. اما مشکل زمانی خود را نشان می‌دهد که افراد مشکل‌دار و پرخاشگر یکدیگر را پیدا کنند و در حالی که خودشان زمینه هیجان و مشکلات حل‌نشده را دارند و نحوه تربیت آنها ضعیف و ناکارآمد بوده، با ورودشان به گروه و تعامل با یکدیگر تنش‌هایشان تشدید می‌شود و با رفتارهایی که انجام می‌دهند خود را به خطر می‌اندازند یا به دیگران صدمه می‌زنند. به عبارتی تنش و فشار روانی، حالت تدافعی و انگیزه‌های نفرت‌آمیز و تلافی‌جویانه را که با نزاع و ضرب و شتم همراه است در این گروه‌ها بیشتر شاهدیم و این رفتارها به خاطر ساختار گروه و به هواخواهی افراد آن از یکدیگر به کرات تکرار می‌شود؛ گروهی که به طور طبیعی رهبر و اعضای آن رفتار تکانشی و مقابله‌جویانه بیمارگونه دارند در راستای حمایت از یکدیگر وارد عمل می‌شوند و دست به جرم می‌زنند. برای جلوگیری از چنین رفتارهایی به نظر می‌آید باید چند توصیه را در نظر بگیریم: کارکرد نهاد خانواده باید مورد دقت دوباره و بررسی قرار گیرد. خانواده‌ها باید از آموزش تربیتی صحیح و مهارت در تربیت فرزندان خود برخوردار باشند و از آن استفاده کنند. بستر جامعه توسط خانواده باید اصلاح شود به نحوی که مردم بتوانند مقابله با خشم را آموزش ببینند و بدانند چگونه باید خشم خود را برون‌ریزی کنند. خیلی از مواقع خشم فرو خورده شده و همین باعث می‌شود افرادی که ظاهرا منفعل هستند این قابلیت را داشته باشند که هر لحظه بتوانند ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به دیگران بزنند. بنابراین نهادهای اجتماعی باید جایی را در نظر بگیرند که افراد خود را از اضطراب تخلیه کنند و همه افراد بتوانند از آن بهره‌مند شوند. همچنین باید در جامعه به رشد در ابعاد مختلف هویتی، جسمی و شناختی توجه شود، این نکته مهمی است که در مدارس ما فراموش شده و مربی بهداشت فقط به موضوعاتی مانند ناخن و مو توجه دارد اما به سلامت روح و روان که به مراتب مهم‌تر است توجه نمی‌شود. توصیه می‌کنم این نکته نیز در مدارس رعایت شود؛ البته این کار درازمدت و تخصصی است که با استفاده از روان‌شناسان کارآمد و در سطوح مختلف باید انجام شود و شهروندان باید از نوجوانی و کودکی در آموزش‌وپرورش مهار خشم و کنترل آن را بیاموزند. از طرفی فضاهایی مانند باشگاه‌های ورزشی می‌توانند به تخلیه انرژی نوجوانان کمک کنند، اما باید در کنار آن مهار خشم آموزش داده شود. نوجوانان افراد پرانرژی هستند و ناکامی به همراه این انرژی تخلیه‌نشده در افراد به پرخاشگری و استرس تبدیل می‌شود و در نتیجه رفتار تحریک‌آمیز بروز می‌کند. پس نوجوانان چه دختر و چه پسر باید این انرژی را تخلیه کنند. این تخلیه انرژی در کنار آموزش برون‌ریزی عاطفی و مشاوره روان‌شناسی می‌تواند بسیار موثر باشد. ضمن اینکه وظیفه مشاوران آموزش‌وپرورش و مربیان پرورشی و تربیتی است که در این زمینه بکوشند اما آنها بیشتر به کارهای آموزشی می‌پردازند و تربیت بخش مهمی است که فراموش شده است، البته تعداد کم این مربیان نیز نسبت به دانش‌آموزان نکته‌ای است که باید به آن توجه شود و مورد بررسی قرار گیرد.

حادثه

دستگیری سومین مجرم فراری از زندان اصفهان

■ **فارس:** رییس پلیس آگاهی استان اصفهان از دستگیری سومین فراری زندان اصفهان در شهر اهواز خبر داد. سرهنگ حسین حسین‌زاده اظهار داشت: سومین متهم فراری به نام احمد، بعدازظهر پنجشنبه توسط پلیس آگاهی استان خوزستان، در شهر اهواز دستگیر شد. این متهم که به جرم سرقت مسلحانه و حبس طولانی مدت در زندان اصفهان بود، یکی از شش زندانی بود که صبح روز جمعه ۱۰ تیر با حفر تونل از زندان اصفهان فرار کردند.